

مبنای مختار:

- ۱) در بحث حقیقت انشاء گفتیم هیأت های انشائیة ایجادى هستند و به عبارت بهتر موضوع هستند برای اعتبارات عقلایی. (یعنی وقتی متکلم می گوید «افعل»، عقلاً با شنیدن آن اعتبار می کنند بعث نحو الفعل را).
 - ۲) کنایه عبارت است از استعمال لفظ در معنای موضوع له [یا غیر موضوع له] و اراده آن معنی (هم به اراده جدی و هم به اراده استعمالی) و در حالیکه در کنار دلالت مطابقی، اراده لازمه موضوع له هم شده است.
 - ۳) جملات خبریه وقتی در مقام انشاء استعمال می شوند، در معنای خود استعمال می شوند ولی متکلم علاوه بر آن، می خواهد لازمه موضوع له را هم به مخاطب بفهماند. لازمه موضوع له «طلب تحقق» است.
 - ۴) پس وقتی متکلم می گوید «یعیّد» معنایی که اراده کرده است «اعاده می کند» است ولی لازمه آن را هم به مخاطب می فهماند. لازمه آن عبارت است از اینکه متکلم طلب کرده است اعاده را و به این جهت است که مکلف اعاده خواهد کرد.
 - ۵) با این حساب استعمال مذکور، استعمال کنایی است. و اگر مطابق مقتضای حال باشد از بلاغت بیشتری برخوردار است.
 - ۶) توجه شود که کنایه محتاج قرینه است و «در مقام طلب بودن» قرینه کنایه است.
 - ۷) اما اینکه آیا «طلب اعاده» علی نحو الوجوب است و یا علی نحو الاستحباب، محتاج قرینه دیگر است و به صرف «در مقام طلب بودن» نمی توان حکم به ظهور کلام در وجوب کرد. اللهم الا أن یقال «وقوع حتمی» در جمله خبریه ای که در مقام طلب است، قرینه است بر اینکه مراد گوینده طلب وجوبی است.
 - ۸) توجه شود که سابقاً گفتیم ابلغ بودن با آكد بودن طلب متفاوت است.
 - ۹) اما آیا اگر امام فرمود «یعیّد»، کذب لازم نمی آید (در جایی که مکلف «اعاده» نمی کند)
- در جواب چندین راه حل داریم:

✓ الف) راه حل سیدنا الاستاذ:

فاعل «یعیّد»، عبد منقاد است یعنی حضرت می فرماید «عبدی که میخواهد اطاعت کند اعاده می کند» و طبیعی است که چنین عبدی به جای خواهد آورد. یا بگوییم: مولی وقتی می گوید «پسر من فردا می رود» در حقیقت می گوید «پسر من اگر بخواهد درست عمل کند، فردا می رود» و لذا اگر نرفت، جمله مذکوره کاذب نیست چراکه شرط آن حاصل نیست.

✓ ب) راه حل آخوند خراسانی:

کنایه عبارت است از «ذکر لازم و اراده ملزوم» در صورتی که ممکن است «لازم» را اصلاً اراده نکرده باشد [به خلاف ما که می گفتیم واجب است لازم را به دلالت مطابقی اراده کند]. پس اگر معنای مطابقی محقق نشد، دروغ



لازم نمی آید چراکه دروغ بودن کنایه «در مثل زید کثیر الرماد» به آن است که زید جواد نباشد ولی اگر جواد بود ولی رماد نداشت جمله کنایی، صادق است.

